

نگاه



حسین امیری گنجه

سرپرست اداره کل تامین اجتماعی غرب تهران

جهش تولید و ایثار

طی ۱۲ سال اخیر شعارهایی که مقام معظم رهبری اعلام کرده‌اند همگی مبنای اقتصادی داشته و نگاه‌شان به مقوله اقتصاد مقاومتی بوده؛ چراکه ایشان می‌دانند که اقتصاد زیربنای تمام مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حاکمیتی است که این نوع سبک اقتصادی نه تنها برای کشور ما بلکه برای تمام کشورهای دنیا به عنوان یک اصل به شمار می‌رود. تجربه در همه این سال‌ها نشان می‌دهد که کشور ما ظرفیت و توانایی مقابله با چالش‌های مختلف را دارد. جهش تولید، زمانی تحقق‌پذیر خواهد بود که مسئولان،

مردم، نظام‌های آموزشی و... در رفتارهای خود تغییراتی را ایجاد کنند و از طرفی دولت نیز مداخله خود را کمتر کند و هر دستگاہی هم چند برنامه عملیاتی را نیز اجرا کند. در راستای رونق جهش تولید، اعتماد سیاسی و عمومی مردمی است که باید به مسئولان داشته باشد که دارند و این همان بحث کارآمدی است که مسئولان باید در سال جدید هم در راستای ایجاد جهش تولید در حوزه‌های خودشان، از نیروهای با انگیزه، جوان و توانمند استفاده کنند و این موضوع تحت عنوان کارآمدی محسوب می‌شود که در صورت ایجاد کارآمدی نیز می‌توان گفت که اعتماد مردم هم به مسئولان قطعاً بیشتر خواهد شد، بنابراین اعتماد سیاسی زمانی می‌تواند ایجاد شود که دولت به شرایط جامعه کنونی نگاه داشته باشد و طبق آن از نیروهای کارآمد استفاده کند. از این رو اگر انتظار داریم که جهش تولید در کشور شکل گیرد، به عقیده من در این راستا الزاماتی نیز وجود دارد و یکی از این الزامات مردم هستند، زیرا این کشور، کشور مردم است و مردم باید در زندگی روزانه خود تغییراتی را داشته باشند و در این میان نیز مردم هستند که باید بدانند که در تصمیمات و اقدامات کشور سهیم هستند. بنابراین می‌توان گفت که اولاً مردم باید در خصوص اینگونه موضوعات کشوری مداخله و مسئولان نیز باید در این راستا تنها نگاه سیاستگذاری داشته باشند و از نگاه مداخله‌ای پرهیز کنند. باید کاری کند که مردم در زندگی خود جهش تولید داشته باشند و ثانیاً اینکه بالاخره مداخله دولت باید از این جهت باشد که از دستگاہ‌های ذی‌نفع برنامه‌های عملیاتی درخواست کند، به عنوان مثال بانک مرکزی بحث‌های سیاستی ارزی را تسهیل کند و تنها به تشکیل یک کارگروه بسنده نکند. در واقع جهش تولید به نوعی از مقوله ایثار می‌آید. در این میان نیز مقام معظم رهبری هم بدین منظور این شعار را انتخاب کردند که مردم نسبت به یکدیگر ایثار داشته باشند و در حوزه کار از یکدیگر سبقت گیرند.



عکس: بهمن صادقی

عکس: بهمن صادقی



مهدی تقوی اقتصاددان ایرانی در گفت‌وگو با آتیه‌نو:

واگذاری سهام شستا برای مردم یک مشوق است

گفت‌وگو

واگذاری سهام شستا در بازار بورس یکی از اتفاقاتی است که در روزهای پایانی اولین ماه سال جدید، رخ داد و باعث شد تعداد قابل توجهی از مردم کشورمان مشتاقانه به دنبال تهیه سهام این مجموعه در تالار شیشه‌ای باشند. در این شرایط گروهی به انتقاد در باره این واگذاری‌ها پرداختند و به طرح مسائلی در این باره مشغول شدند که در بسیاری موارد حتی عجیب و غریب هم به نظر می‌رسید و گروهی دیگر به حمایت از آن پرداختند و پیش‌بینی کردند که این اقدام می‌تواند نمونه و الگویی باشد که سبب افزایش میل و رغبت مردم خواهد بود برای سرمایه‌گذاری در بازار بورس. دکتر مهدی تقوی عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی یکی از کسانی است که این واگذاری‌ها را به فال نیک می‌گیرد و با تجزیه و تحلیل اقتصادی پیش‌بینی می‌کند که این کار در آینده نتایج قابل دفاعی را به دنبال خواهد داشت. او که سال‌ها قبل بعد از کسب لیسانس بازرگانی از مدرسه عالی بازرگانی تهران راهی بریتانیا شد تا فوق لیسانس مدیریت از پلی تکنیکش را از دانشگاه کینگستون انگلستان و فوق لیسانس بازرگانی‌اش را از دانشگاه بیرمینگام انگلستان دریافت کند و در ادامه مدرک دکترای اقتصاد خودش را از دانشگاه تهران گرفت، سال‌های سال است که به عنوان استاد تمامی رسیده و مشغول تربیت دانشجویان است. با او به بهانه واگذاری سهام شستا در بازار بورس و البته روزهای کرونا یی ایران، گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه آمده است:

خواندن و بهداشت و درمان را خودش پرداخت می‌کند. ممکن است برخی از مخاطبان بپرسند که درآمد این دولت از کجا به دست می‌آید که می‌توانست در این دو زمینه تعیین‌کننده هزینه‌ها را بر عهده بگیرد. پاسخ بسیار روشن است؛ ثروتمندان مکلف به پرداخت مالیات‌های سنگین می‌شدند و دولت انگلستان از این راه می‌توانست هزینه‌های تحصیل و درمان را برای شهروندان تامین کند. تا قبل از اینکه خانم تاجر در کشور انگلستان به روی کار بیاید همین سیستم در این کشور اجرا می‌شد اما با آمدن این خانم به عنوان نخست‌وزیر بر سر کار، دولت بریتانیا تصمیم گرفت مسئولان بخشی از سیستم دولتی را به بخش خصوصی عطا کند و اجازه بدهد این بخش قسمتی از مسئولیت‌ها را بر عهده بگیرد. در آن دوره دولت انگلستان به این نتیجه رسید که می‌تواند کارآمدی و کیفیت خدمات را در برخی از بخش‌ها با واگذاری به بخش خصوصی افزایش بدهد.

نگاه شما آیا این الگو در کشور ما هم می‌تواند پیاده شود و اگر پاسخ مثبت است نیاز چه برنامه‌ریزی‌ها و بررسی‌هایی دارد؟

در کشور ما اگر بررسی‌های موشکافانه‌ای در این حوزه انجام شود و دولتمردان به این نتیجه برسند که می‌توانند با واگذاری بخش‌های دولتی به بخش خصوصی راندمان را بالاتر ببرند و هزینه‌ها را کاهش بدهند، می‌توانیم انتظار داشته باشیم که در آینده نتایج قابل قبولی در این زمینه به دست بیاوریم و از نظر اقتصادی پیشرفت کنیم.

به‌طور کلی خصوصی‌سازی تابع یک قاعده کلی است یا باید برای هر بخشی که بناسد به بخش خصوصی واگذار شود، دستورالعملی جداگانه داشت؟

البته خصوصی‌سازی برای هر بخشی نیاز به دستورالعملی متفاوت دارد. برای مثال در بخش‌هایی که امکانات سخت‌افزاری کافی وجود دارد، دولت می‌تواند با بررسی‌های فرهنگی و اجتماعی این بخش‌ها را واگذار کند اما در مناطقی که از نظر زیرساختی مشکلاتی در آن هست، در ابتدا باید موانع رفع شود و در ادامه واگذاری صورت بپذیرد. طبیعی است که به کارگیری نیروهای بومی بعد از اینکه بخشی واگذار شد، می‌تواند به عنوان یک مشوق قوی عمل کند و سبب شود تا ساکنان مناطقی که در ورور بخش واگذار شده قرار دارند، با جان و دل به فعالیت مشغول شوند و پیشرفت آن بخش را همچون پیشرفت خودشان ببینند و برای موافقت آن از هیچ کوششی دریغ نکنند. در این شرایط هم هست که می‌توان انتظار داشت بالاترین سطح ممکن در زمینه اشتغالزایی محقق شود. به این توضیح بخش خصوصی هم وقتی این وضع را می‌بیند، انگیزه می‌گیرد و تشویق می‌شود تا به کارش بیش از پیش رونق بدهد. البته در

طول سال‌های گذشته واگذاری‌هایی به بخش خصوصی انجام شد که مشکل آفرید و در نهایت خود دولت مجبور شد دوباره وارد عمل شود و برخی شرکت‌ها و کارخانه‌ها را از بخش خصوصی ناکارآمد پس بگیرد. نکته‌ای که در این میان باید از سوی دولت مورد توجه قرار بگیرد، وضعیت واگذاری‌های قبلی به بخش خصوصی است. با در نظر گرفتن نمونه‌هایی که پیش از این در شهرهای استان‌های مختلف ایران شامل خصوصی‌سازی شده‌اند، می‌شود دریافت که کدام سرمایه‌گذاران در زمینه اداره بخشی که به آنها واگذار شده موفق عمل کرده‌اند و کدام سرمایه‌گذاران نتوانسته‌اند، بخش واگذار شده را به سمت و سویی خوب هدایت کنند و نتایج اقتصادی خوبی از فعالیت در آن بخش هم برای خودشان و هم برای ساکنان منطقه کسب کنند.

با این توضیح آیا امکان جلوگیری از برخی مشکلات در زمینه خصوصی‌سازی از قبل وجود دارد؟

بله. بررسی در نمونه‌های واگذار شده پیشین بر این اساس که سرمایه‌گذاران بخش خصوصی با ابتکار و خلاقیت خودشان نتوانسته‌اند به‌روموری واحد تحت مدیریت‌شان را بالاتر ببرند و کیفیت خدمات را افزایش دهند یا تنها با افزایش مبلغ ارائه خدمات نتوانسته‌اند درآمدزایی کنند، باید می‌تواند به عنوان چراغ راهی برای دولتمردان ما باشد. نقش نظارتی دولت و اهمیتش در این زمینه هم می‌تواند اهمیت خود را نشان بدهد. نکته مهم دیگری که باید به آن توجه کرد و یکی از ویژگی‌های قابل تامل واگذاری بخش‌های دولتی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی است، آن است که دولت با واگذاری‌های حساب‌شده و بر اساس بیش از انگار که نیروهای کارکشته و توانا را استخدام کرده تا امور را پیش ببرند. در نتیجه هم هزینه‌هایی که دولت پیش از این در این بخش‌ها انجام می‌داده، تا حد قابل توجهی کاهش پیدا می‌کند و هم مردم از خدماتی که دریافت می‌کنند، رضایت بیشتری دارند. البته اگر بخش خصوصی به عنوان مسئول اداره شرکت، منطقه یا نهادی که به او واگذار شده، نتواند به خوبی جلو برود و امور را سامان بدهد، ضرر مالی را تجربه خواهد کرد و بعد از مدتی هم از میدان به در خواهد شد.

واگذاری سهام شرکت‌های بزرگی از جمله شستا را در بازار بورس که تا پیش از این بسیاری به دولتی بودن آن انتقاداتی داشتند، چطور ارزیابی می‌کنید؟

به طور کلی من واگذاری سهام شستا در بازار بورس را اتفاق خوبی می‌دانم چون مردم در این شرایط وارد میدان سرمایه‌گذاری در چنین شرکت‌هایی می‌شوند. در اینگونه اقدامات نتیجه قابل پیش‌بینی برای شرکت‌ها، مناطق و نهادهای مختلف است. به عنوان مثال اگر شرکت‌ها و کارخانه‌ها را از بخش خصوصی ناکارآمد پس بگیرد، نکته‌ای که در این میان باید از سوی دولت مورد توجه قرار بگیرد، وضعیت واگذاری‌های قبلی به بخش خصوصی است. با در نظر گرفتن نمونه‌هایی که پیش از این در شهرهای استان‌های مختلف ایران شامل خصوصی‌سازی شده‌اند، می‌شود دریافت که کدام سرمایه‌گذاران در زمینه اداره بخشی که به آنها واگذار شده موفق عمل کرده‌اند و کدام سرمایه‌گذاران نتوانسته‌اند، بخش واگذار شده را به سمت و سویی خوب هدایت کنند و نتایج اقتصادی خوبی از فعالیت در آن بخش هم برای خودشان و هم برای ساکنان منطقه کسب کنند.



سامان آسمانی

روزنامه‌نگار

من واگذاری سهام شستا در بازار بورس را اتفاق خوبی می‌دانم چون مردم در این شرایط وارد میدان سرمایه‌گذاری در چنین شرکت‌هایی می‌شوند. در اینگونه اقدامات نتیجه قابل پیش‌بینی برای شرکت‌ها، مناطق و نهادهای مختلف است. به عنوان مثال اگر شرکت‌ها و کارخانه‌ها را از بخش خصوصی ناکارآمد پس بگیرد، نکته‌ای که در این میان باید از سوی دولت مورد توجه قرار بگیرد، وضعیت واگذاری‌های قبلی به بخش خصوصی است. با در نظر گرفتن نمونه‌هایی که پیش از این در شهرهای استان‌های مختلف ایران شامل خصوصی‌سازی شده‌اند، می‌شود دریافت که کدام سرمایه‌گذاران در زمینه اداره بخشی که به آنها واگذار شده موفق عمل کرده‌اند و کدام سرمایه‌گذاران نتوانسته‌اند، بخش واگذار شده را به سمت و سویی خوب هدایت کنند و نتایج اقتصادی خوبی از فعالیت در آن بخش هم برای خودشان و هم برای ساکنان منطقه کسب کنند.

به‌طور کلی خصوصی‌سازی تابع یک قاعده کلی است یا باید برای هر بخشی که بناسد به بخش خصوصی واگذار شود، دستورالعملی جداگانه داشت؟

البته خصوصی‌سازی برای هر بخشی نیاز به دستورالعملی متفاوت دارد. برای مثال در بخش‌هایی که امکانات سخت‌افزاری کافی وجود دارد، دولت می‌تواند با بررسی‌های فرهنگی و اجتماعی این بخش‌ها را واگذار کند اما در مناطقی که از نظر زیرساختی مشکلاتی در آن هست، در ابتدا باید موانع رفع شود و در ادامه واگذاری صورت بپذیرد. طبیعی است که به کارگیری نیروهای بومی بعد از اینکه بخشی واگذار شد، می‌تواند به عنوان یک مشوق قوی عمل کند و سبب شود تا ساکنان مناطقی که در ورور بخش واگذار شده قرار دارند، با جان و دل به فعالیت مشغول شوند و پیشرفت آن بخش را همچون پیشرفت خودشان ببینند و برای موافقت آن از هیچ کوششی دریغ نکنند. در این شرایط هم هست که می‌توان انتظار داشت بالاترین سطح ممکن در زمینه اشتغالزایی محقق شود. به این توضیح بخش خصوصی هم وقتی این وضع را می‌بیند، انگیزه می‌گیرد و تشویق می‌شود تا به کارش بیش از پیش رونق بدهد. البته در